

معرفی و بررسی تفسیر ثمانیه خواجه محمد پارسا و نکاتی درباره حیات و آثار وی

سهیل یاری گل دژه*
محمد ابراهیم مال میر**

چکیده

یکی از بایسته‌ترین زمینه‌های پژوهشی، شناسایی، تصحیح و چاپ میراث مکتوب پیشینیان است. بدون در دست داشتن متن منقح از متون نمی‌توان به داوری و ارزیابی آن‌ها پرداخت و اتکا به چاپ‌های مغلوط و ناهموار از متون می‌تواند سیر تحقیقات را به بیراهه بکشد. از جمله متونی که به ارزیابی و تحلیل کلام‌الله پرداخته‌اند، تفسیرنامه‌های قرآنی، میراثی بس ارجمند و درخور کندوکاو عالمانه‌اند، و به دست دادن چاپ انتقادی آن‌ها از ضرورت‌های تحقیق در این حیطه است. یکی از این متون تفسیر ثمانیه خواجه محمد پارساست که تاکنون چاپ نشده و حتی پژوهش درخور ذکری نیز در باب آن صورت نگرفته است. در این جستار به بررسی این تفسیر و معرفی نسخه آن خواهیم پرداخت.

کلیدواژه‌ها: متون تفسیری، خواجه محمد پارسا، تفسیر ثمانیه، نسخ خطی

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۱/۶ تاریخ پذیرش: ۹۹/۶/۳۱

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه / soheil.yari6@gmail.com

** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه رازی، کرمانشاه (نویسنده مسئول) / dr_maalmir@razi.ac.ir

۱. مقدمه

در تاریخ ایران و اسلام، درباره هیچ کتابی به اندازه قرآن شرح و تفسیر نگاشته‌اند. اگر به کتاب‌نامه‌هایی چون الفهرست ابن‌ندیم (د. ۳۸۰ یا ۳۸۵)، کشف الظنون حاجی خلیفه (د. ۱۰۶۷) یا الذریعة آقابزرگ تهرانی (۱۲۵۵-۱۳۴۸) نظری بیندازیم، با انبوهی از تفاسیر، گاه چندین جلدی، مواجه می‌شویم که دانشمندان اسلامی در طی قرون نگاشته‌اند.^۱ تفسیر در آغاز کار، تنها به صورت شفاهی آموخته می‌شد و در سینه‌ها می‌ماند و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌گردید. در تمام عهد رسالت و دوره صحابه و عصر تابعان نخستین، وضع تفسیر بر همین منوال بود تا این‌که در دوره تابعان تابعان، رفته‌رفته در دفاتر و لوح‌هایی ثبت شد و به این‌گونه در نیمه‌های قرن دوم که تدوین حدیث رواج یافت، در کنار آن، تدوین تفسیر هم آغاز گردید. شاید بتوان گفت که نخستین کسی که تفسیر را در دفترها و لوح‌ها نوشت، مُجاهد بن جبر (د. ۱۰۱ق) بود. همچنین تفسیر قراء، به نام معانی القرآن، اولین تفسیری است که آیات قرآن را به ترتیب، تفسیر کرده و دامنه تفسیر آیه را گسترده است؛ در حالی که تفاسیر گذشته، ناپیوسته و تنها به تفسیر آیات مشکل و مبهم پرداخته‌اند و شامل همه آیات و به صورت پی در پی نیستند (معرفت، ۱۳۷۹: ۹/۲-۱۰). شیوه‌هایی را هم که مفسران در مقام تفسیر آیات قرآن پیموده‌اند و به‌عنوان روش خود برگزیده‌اند، برحسب اختلاف سلیقه‌های آنان و نیز استعدادها و اندوخته‌های خود در زمینه‌های مختلف علوم و معارف، متفاوت، و نوع تفسیر ماثور، اجتهادی، کلامی، بلاغی، عرفانی، صوفیانه و... است. یک نمونه از این تفسیرها که با رویکردی جامع نگاشته شده، تفسیر ثمانیة خواجه محمد پارسا، از مشایخ فرقه نقشبندیه، است که در ادامه این گفتار به بحث درباره وی و اثرش می‌پردازیم.

۱. برای آشنایی با مجموعه‌ای از این کوشش‌ها، نک:

- معجم مصنفات القرآن الکریم، علی شواخ اسحاق، ۴ج، الطبعة الأولى، ریاض: الدار الرفاعی، ۱۴۰۴/هـ/۱۹۸۴م.
- فهرست مصنفات تفسیر القرآن الکریم. إعداد: مرکز الدراسات القرآنیة، الطبعة الأولى، المدینة المنورة: مجمع الملک فهد لطباعة المصحف الشريف، ۱۴۲۴/هـ/۲۰۰۳م.

۲. پیشینه پژوهش

تفسیر ثمانیه خواجه محمد پارسا تاکنون نه چاپ و نه به تفصیل معرفی شده است، و تنها حسن انصاری در یادداشتی کوتاه با عنوان «نسخه تفسیر قرآن خواجه محمد پارسا به خط عبدالرحمان جامی»، به اجمال و در چند سطر، نسخه خط جامی را معرفی و به اهمیت چاپ فاکسیمیل آن اشاره کرده است (انصاری، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، مقاله حاضر نخستین معرفی تفصیلی از این متن مهم است.

۳. بحث و بررسی

۳-۱. گذری بر زندگی نامه خواجه محمد پارسا

محمد بن محمد بن محمود الحافظی البخاری (حافظی بخاری، ۲پ؛ جامی، ۱۳۹۰: ۳۹۷)، معروف به خواجه محمد پارسا، از مشایخ فرقه نقشبندیه و صوفیان نامدار عصر تیموری و از جانشینان خواجه بهاءالدین محمد نقشبند (د. ۷۹۱ق) است. گنیه او، چنان که در مقدمه تفسیر فاتحه الكتاب گفته، «أبوالفتح» است (حافظی بخاری، ۱۳۵۴: ۶۶). او زاده بخاراست. به زادروز او در منابع اشاره ای نشده است؛ ولی از آن جاکه سن او را هنگام وفات ۷۳ سال و درگذشت وی را سال ۸۲۲ق. نوشته اند، می باید حدود سال ۷۴۹ق. به دنیا آمده باشد.^۱ گفته اند که نسبش به عبدالله بن جعفر طیار می رسد (خواندمیر، ۱۳۸۰: ۴/۴) و به آن سبب به وی «خواجه» گفته اند که از پیشروان نقشبندیه بوده است. لقب «پارسا» را نیز پیر و مرشدش، خواجه بهاءالدین نقشبند، به وی داده بود (صفا، ۱۳۷۸: ۴۸۲/۴). نوشته اند که خواجه محمد پارسا در میان سفر دوم خود به مکه بیمار شد و سرانجام روز پنجشنبه، ۲۴ محرم سال ۸۲۲ق. در بازگشت از مکه و هنگام اقامت در مدینه درگذشت. و همان جا در جوار قبّه عباس بن عبدالمطلب به خاک سپرده شد (جامی، ۱۳۹۰: ۳۹۹).

۳-۲. آثار خواجه محمد پارسا

از خواجه محمد پارسا حدود سی تألیف شناسایی شده است. شماری از آن ها چاپ شده و تعدادی هنوز به صورت دست نویس باقی مانده است. اهم مؤلفات خواجه این هاست:

۱. برخی از معاصران تولّد او را، به خطا، ۷۵۶ق نوشته اند (مثلاً نک. صفا، ۱۳۷۸: ۴۸۲/۴).

الف) **فصل الخطاب لوصول الأحاب فی المحاضرات**: این کتاب مهم‌ترین، مشهورترین و مفصل‌ترین اثر خواجه پارساست (برای معرفی تفصیلی این کتاب، نک. حافظی بخاری، ۱۳۸۱: سی و دو - هفتاد).

ب) **قدسیه**: رساله قدسیه مجموعه‌ای است از سخنان خواجه بهاء‌الدین نقشبند که «در مجالس صحبت» بر زبان او می‌گذشته و خواجه آن «کلمات قدسیه» را می‌نوشت. این اثر را انتشارات طهوری (چاپ اول، ۱۳۵۴) با مقدمه و تصحیح و تعلیق احمد طاهری چاپ کرده است. مقدمه مصحح یکی از بهترین منابع برای شناخت خواجه و آثار و اندیشه‌های اوست.

ج) **کلمات خواجه پارسا**: رساله‌ای است به فارسی در موضوعات مختلف از عرفان و تصوف و حدیث و تفسیر که تاکنون چاپ نشده و از آن دست کم دو نسخه شناسایی شده است: یکی نسخه کتابخانه موزه بریتانیا و دیگر نسخه کتابخانه ملک، به شماره ۱۸۲.

د) **انیس الطالبین و عده السالکین**: از این رساله دو تحریر مختصر و مفصل در دست است. این اثر اگرچه به حسام‌الدین یوسف حافظی بخاری و صلاح بن مبارک نیز منسوب شده، اما بنا بر نظر برخی پژوهشگران، از خواجه پارساست (آقاحسینی و یلمه‌ها، ۱۳۹۲: ۱۰-۱۹).

ه) **مزارات**: رساله‌ای کوتاه درباره آداب زیارت و نیز محل وقوع مزارات برخی پیامبران و مشایخ است. از این رساله تنها یک نسخه به خط نسخ، مورخ ۸۷۷ق در کتابخانه سلیمانیه، گنجینه حمیدیه استانبول، شناسایی و چاپ شده است (نوشاهی، ۲۰۱۱: ۱۵۰-۱۷۱).

و) **محبوبیه**: رساله‌ای موجز در برخی موضوعات عرفانی و دستوره‌های سلوکی. از این رساله تاکنون پنج نسخه شناسایی شده است. محبوبیه با مقابله سه نسخه، تصحیح و چاپ شده است (صدوقی سها و مؤمنی، ۱۳۹۸: ۱-۲۰).

ز) **مصطلحات صوفیه**: رساله‌ای مختصر در شرح ۱۶۰ اصطلاح صوفیانه. این رساله را غلام مصطفی خان (۱۹۱۲-۲۰۰۵) در لابه‌لای بیاضی یافت و در سال ۱۹۵۷م به زبان اردو به چاپ رساند (نک. مصطفی خان، ۱۳۹۵: ۷۷-۸۷). از دیگر آثار خواجه پارسا می‌توان به این موارد اشاره کرد: **تحقیقات**، رساله کشفیه (هر دو رساله در موضوع تصوف و به زبان

فارسی)، الأربعون حديثاً، مناسك الحج، رمز الأقطاب، الفصول الستة (در حديث)، مسئله خلق الأفعال، عقاید (تحریری تازه از السواد الأعظم حکیم ابوالقاسم سمرقندی). گویا هیچ‌یک از آثار اخیر تا کنون چاپ نشده‌اند.

ح) تفسیر قرآن: خواجه پارسا بر چند سوره تفسیر نوشته که عبارت‌اند از سور مَلِك و نَبَأ، فاتحة الكتاب، و تفسیر هشت سوره از جزء سی ام، مسمی به «تفسیر ثمانیه». حاجی خلیفه درباره تفسیر خواجه چنین نوشته است: «تفسیر خواجه محمد پارسا، هو الشَّيْخُ الْفَاضِلُ مُحَمَّدُ ابْنِ مُحَمَّدِ الْحَافِظِ الْبُخَارِيُّ الْمُتَوَفَّى سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَعِشْرِينَ وَثَمَانِمِائَةً وَهُوَ تَفْسِيرٌ فَارِسِيٌّ فِي سُورٍ مِنْ جُزْئِي الْمَلِكِ وَ النَّبَأِ» (حاجی خلیفه، بی تا: ج ۱/۴۴۷). برخی گمان کرده‌اند که این تفاسیر در یک مجموعه پیوسته است و در برهه‌ای از زمان تحریر شده است، چنان‌که ذبیح‌الله صفا نوشته است: از جمله تفاسیر عرفانی این زمان، «تفسیر خواجه محمد پارسا» (شیخ محمد بن محمود بخاری)، از مشاهیر مشایخ نقشبندی است... این کتاب در تفسیر بعضی از سوره‌های قرآن به روش متداول عارفان فراهم آمده است (صفا، ۱۳۷۸: ۱۸۹/۴)؛ درحالی‌که هر یک، جداگانه تألیف شده و ما مستندی نداریم که این تفاسیر مجموعه پیوسته‌ای بوده باشد.

۳-۳. درباره تفسیر ثمانیه

چون خواجه پارسا در این کتاب بر هشت سوره از جزء سی ام قرآن - یعنی، از قدر تا هَمْزَه - تفسیری نگاشته است، نام آن را تفسیر ثمانیه نهاده‌اند (بخارایی، ۱۳۵۴: ۷۱)، اما در هیچ یک از نسخی که مورد استفاده ما در تصحیح این کتاب بوده است، چنین عنوانی دیده نمی‌شود و تنها از آن با «تفسیر خواجه محمد پارسا» یاد می‌شود. همچنین بنا بر ترقیمه نخست نسخه کتابخانه اسعد افندی، این اثر دست‌کم دو سال پیش از مرگ خواجه پارسا (۸۲۲ق) نوشته شده است.

۱. از آن‌جا که طاهری عراقی نسخه تفسیر ثمانیه خواجه به خط جامی را ندیده، اشتهاً گمان کرده که آن نسخه همان تفسیر دو جزء بیست و نهم و سی ام است (نک. طاهری عراقی، ۱۳۵۴: ۷۱).

تفسیر ثمانیه، تفسیری ترکیبی و جامع است، به این معنی که یکسره صبغه نقلی، صوفیانه و عارفانه و یا اجتهادی و غیره ندارد، بلکه ترکیبی از همه این‌هاست. از این حیث، بی‌شبهت با تفسیر کشف الأسرار میبیدی نیست. پیش‌تر نیز میبیدی در تفسیر خود، در نوبت نخست، به ترجمه و معنای ظاهری آیه و در نوبت دوم، به بیان وجوه معانی، قرائت، اسباب نزول، بیان احکام، روایات و اقوال صحابه و تابعان، و در نوبت سوم به بیان رمزها، اشارات و تأویلات عرفانی و صوفیانه پرداخته بود. خواجه پارسا نیز از تفاسیر عرفانی و دیدگاه‌های عرفایی همچون ابوعبدالله سهل تُستری، ذوالنون مصری، بایزید بسطامی و دیگران نکات بسیاری آورده است. او در تفسیر هریک از هشت سوره مذکور، نخست توضیحاتی درباره سوره، مانند مکی و مدنی بودن، شمار آیات و کلمات آن و احیاناً خواص سوره می‌آورد. سپس درباره «بسم الله» از قول قُشیری (در تفسیر لطائف الإشارات) و برخی صحابه و عرفا، گاه چند صفحه‌ای سخن می‌راند و در ادامه، به شرح لغات و بیان برخی نکات صرفی و نحوی می‌پردازد. همچنین به نقل از ابوعبدالله ترمذی، حجة الإسلام غزالی، مُستملی بخاری، ابن عربی، عزالدین کاشانی (بدون ذکر نام سه تن اخیر) و شماری از صحابه، تابعان و صوفیه، سخنانی درباره برخی مفاهیم کلیدی سوره می‌آورد و در پایان شمه‌ای از تأویلات عبدالرزاق کاشانی را نقل می‌کند.

۳-۴. منابع اصلی مؤلف در تألیف تفسیر ثمانیه

خواجه پارسا در نگارش تفسیر ثمانیه از شماری از منابع عربی و متون فارسی بهره گرفته است. او در مواضع متعددی نام کتاب یا نویسنده مورد ارجاع خود را ذکر می‌کند و در مواردی هم بی‌اشاره به نام کتاب یا نویسنده، مطالبی را از دیگر مآخذ می‌آورد. این امر شیوه‌ای رایج در میان پیشینیان بوده است، و ظاهراً قبحی که امروز دارد، در گذشته نداشته و نویسندگان آن را مصداق انتحال و سرقت ندانسته‌اند. برای نمونه «تفسیر معروف کشف الأسرار میبیدی، در بخش اساسی و عمده‌اش یعنی "التوبة الثانية" آن، عیناً رونویسی از کتاب الکشف و البیان ثعلبی است با مقدار زیادی حذف و تلخیص... میبیدی بی‌آن‌که در سراسر این تفسیر ده جلدی خویش نامی از الکشف و البیان ثعلبی ببرد، در "التوبة الثانية" کتاب

خویش - که گسترده‌ترین بخش آن است - عین مطالب و عین عبارات ثعلبی را نقل کرده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۹۲: ۳۳ و ۳۶؛ نیز نک. همو، ۱۳۹۴: ۱۲۶ و ۱۳۱). همچنین «بخش "التوبة الثالثة" كشف الأسرار میبیدی هم انتحال از یک کتاب فارسی است به نام رُوح الأرواح تألیف سَمعانی مروزی» (نک. همو، ۱۳۹۲: ۳۴؛ نیز نک. همو، ۱۳۹۴: ۱۲۶). یا ملاحظه در آثار مختلف خود، به ویژه أسفار، مطالبی از دیگران آورده و از اشاره به منابع اصلی آن‌ها پرهیز کرده است (نک. اسلامی، ۱۳۹۰: ۲۶).

باری، بی‌توجهی به این نکته موجب می‌گردد که در نگاه نخست، شماری از گزاره‌های این تفسیر، دیدگاه و تأملات شخص خواجه پنداشته شود، حال آن‌که، با جست‌وجو در منابع تفسیری، صوفیانه و غیره مشخص می‌شود که این دسته از مطالب هم از کلام دیگران اقتباس شده است. گفتنی است که در تفسیر ثمانیه کمتر با آرای خواجه برخورد می‌کنیم. او در این اثر، اغلب راوی سخنان دیگران است. با این حال، به دلیل مطالعات فراوانی که در آثار اسلامی داشته، به مناسبت‌های گوناگون، لُبایی از سخنان مفسران و عارفان را در تفسیر خویش آورده است، در صورتی که در دیگر تفاسیر به این گونه ارجاعات به شماری از منابع، کمتر برمی‌خوریم.

درباره شیوه اقتباس خواجه پارسا باید گفت که او معمولاً عین سخن دیگران را نقل می‌کند، اما گاهی چندین جمله از آثار دیگران (و اغلب بدون نام منبع و مؤلف) که در جای‌جای کتاب‌هایشان آمده است، تلفیق می‌کند. از مهم‌ترین منابعی که خواجه پارسا در این تفسیر از آن استفاده کرده است، می‌توان این آثار را نام برد:

۳-۵. منابع عربی

۳-۵-۱. منابع حدیثی: صحاح و سنن (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی، سنن نسایی، سنن ابی داود، مؤطاً مالک بن انس)، نوادر الأصول از حکیم ترمذی، شرح السنن بَعوی، جامع الأصول از ابن اثیر، و... .

۳-۵-۲. منابع تفسیری: الكشف و البیان ثعلبی، التفسیر الکبیر فخر رازی، الکشاف زَمخشری، لطائف الإشارات قُشیری، اسباب نزول القرآن و تفسیر الوجیز واحدی، تأویلات

أهل السنّة از متأزیدی، الجامع لإحكام القرآن از قُرطبی، تفسیر بصائر یمینی از نیشابوری، حدائق الحقائق، التیسیر و الکافی از نجم الدین نسفی، تفسیر إحقاق از ابوالقاسم سمرقندی، عین المعانی از سجاوندی، تفسیر تُستری و... .

۳-۵-۳. منابع عارفانه و صوفیانه: آثار غزالی (به ویژه إحياء العلوم، همچنین المقصد الأستنی، جواهر القرآن و دُرره، الأربعین فی أصول الدّین، و البتّه نامی از این آثار در متن تفسیر برده نشده است)، الفُتوحات المکیّه از ابن عربی، آثار حکیم ترمذی، قوت القلوب از ابوطالب مکی، منازل السائرین از خواجه عبدالله انصاری و برخی شروح آن، تأویلات عبدالرزاق کاشانی، حقائق التفسیر از ابوعبدالرحمان سُلمی، عرائس البیان روزبهان بقلی و... .

۳-۵-۴. منابع لغوی: صحاح (تاج اللغة و صحاح العربیّة) از جوهری، أساس البلاغة زمخشری.

۳-۶. منابع فارسی

مؤلف در ضمن تفسیر ثمانیه صراحتاً از این سه اثر بهره گرفته است: کیمیای سعادت غزالی، شرح التّعرف لِمذهب التّصوّف مُستملی بخاری، ترجمة عوارف المعارف شهاب الدّین ابوخصف سهروردی. همچنین، از دو کتاب مصباح الهدایة از عزالدین کاشانی و مرصاد العباد نجم رازی نیز بی تصریح مطالبی نقل کرده است.

۳-۷. تأثیر تفسیر ثمانیه بر دیگر تفاسیر

در شماری از تفاسیری که پس از عصر خواجه پارسا نگاشته شده، در دو تفسیر زیر ردّی بر مطالب تفسیر خواجه یافت می شود:

- جواهر التفسیر از حسین علی کاشفی (متوفای ۹۱۰ق).

- منهج الصادقین از فتح الله کاشانی (متوفای ۹۸۸ق).

کاشفی خود از معتقدان به طریقت نقشبندیه بود. او دست کم در چهار موضع از تفسیر خود مطالبی از تفسیر ثمانیه گرفته است (کاشفی، ۱۳۳۶: ۱۴۲، ۲۷۵، ۳۴۸، ۴۵۱). نکته مهم دیگر، شباهت شماری از منابع این دو تفسیرنامه است. مثلاً هر دو مفسّر از کتاب های عین المعانی، تفسیر بصائر، تفسیر إحقاق و... نام برده و اقتباس کرده اند؛ و این

درحالی است که دیگر تفاسیر به ندرت از این کُتب یاد کرده و از آن‌ها تأثیر پذیرفته‌اند. همچنین، کاشانی در مَنهَج الصَّادِقین، با عبارت «در تفسیر خواجه پارسا مذکور است»، مطلبی از آن نقل کرده است (کاشانی، ۱۳۳۶: ۳۴۱/۷).

۴. ویژگی‌های زبانی و سبکی تفسیر ثمانیه

ویژگی‌های سبک نثر مؤلف کم‌وبیش شبیه دیگر متون نثر دوره تیموری است که محققان از آن سخن گفته‌اند: ساده‌تر شدن متن کتاب‌ها، توجه کمتر به لهجه کهن پارسی، آوردن ترکیب‌های بلند و کوتاه به جای مفردات موجود، عمل کردن به دستورهای صرفی و نحوی عربی در مورد مفردات فارسی خاصه در تطابق صفت و موصوف، اطناب در بیان مقصود و... (بهار، ۱۳۸۴: ۲۰۸/۳-۲۱۰؛ صفا، ۱۳۷۸: ۴۶۶/۴-۴۶۷). از سویی دیگر، زبان بخش عمده‌ای از تفسیر ثمانیه عربی و کمتر از یک‌سوم آن فارسی است و از این اندازه هم بخشی از متونی فارسی چون شرح تعرّف، کیمیای سعادت، مصباح الهدایة و امثال این‌ها گرفته شده است. مؤلف نه همه جا به این اقتباس‌ها اشاره می‌کند. به همین علت کوشیده‌ایم که ویژگی‌های سبکی ثمانیه را از سخنانی بیرون بکشیم که فقط گفته نویسنده باشد.

مهم‌ترین ویژگی‌های زبانی و سبکی تفسیر ثمانیه:

الف) ویژگی‌های زبانی

۱. اطناب در توضیح برخی مفاهیم: مثلاً، گاه چندین روایت از یک حدیث واحد را نقل می‌کند یا درباره برخی مفاهیم، چون اخلاص، رضا و...، ده‌ها جمله از صحابه، تابعان و صوفیان می‌آورد.

۲. جملات ملّمع (فارسی - عربی):

- نوزده حرف که مکتوب است در تسمیه امان است از نوزده زبانیّه دوزخ، اشارت به آن است که تعلق به این عوالم و ما يتعلّق بها من الأمور الدنیویّه و العلائق الفانیة سبب حجاب است عن الله تعالی و موجب دخول است در نار، معنویّه و صوریه و هُما نار الفراق و نار الإحتراق (۱۶-پ-۱۶).

۱. ارجاعات براساس نسخه جا (جامی) است.

۳. کوتاهی جملات:

- چون یک دو روز بگذرد با آن عادت کنند و در دل ایشان سبک شود و هرکس به کار خود بازگردند و بر سر پیشه خود بازروند و چهل سال بر آن بگذرد (۴۵ر).
- از کار بماند و نفس تنگ شد و پیوسته و چشم در راه افتاد و زبان از سخن بازایستاد و دیرزمان همچنان بود با خویشتن بازآمد و زبان گردان کرد و گفت: ... (۴۶پ).

۴. کاربرد ضمیر «او» برای غیر جاندار:

- هر شبی که قدر او دانی، شب قدر تو بود (۱۴ر).
- گواهی دهد بر هر مردی و زنی به آنچه کرده است بر او [یعنی زمین] (۴۳پ).

۵. واو حالیه به شیوه عربی:

- علامت نیکوگمانی به خداوند - تعالی - دو چیزست: و دیگر خوش رویی و بلا گرد اندر گرد گرفته، و رحم کردن بر مبتلا و وی در محنت افتاده (۳۴ر).

۶. کاربرد نی به جای نه:

- بر نیست غم نبود و بر هست مهر نی (۳۴ر).
- هیچ جای یک جنبنده نی (۴۵ر).

۷. کاربرد «با» به معنی «به»:

- سوره‌ای با سوره‌ای وصل کند (۲ر).

۸. کاربرد «ی» در معانی مختلف:

- هرکجا لشکر به عزات فرستادی، فرمودی ... (۶۲پ): می فرستاد، می فرمود (ماضی استمراری).
- نزدیک آمد که شکم بر زمین نهادی و استخوان‌های او در هم شکستی (۶۲پ): بنهد، در هم شکند (مضارع التزامی).
- کاشکی وی سگی بودی یا خوک بودی یا خاک بودی (۲۵پ): می بود (می شد).

۹. تطابق صفت و موصوف به شیوه عربی:

- عبادت تامة جامعه (۱پ)، صفات مختلفه (۱پ)، ليله مبارکه (۴ر)، حجت ظاهره (۱۶ر)، اخلاق فاضله (۱۶ر)، صُحُف مطهره (۱۷پ)، زکاة مفروضه (۲۰پ)، درجات علیّه (۶۵پ)، اخلاق حمیده (۶۵پ)، اخلاق ذمیمه (۶۵ر).

۱۰. آوردن رای نقش نما با غیر مفعول:

- مرا گفت: ... (۴۳ر).
- به درستی آدمی از بهر دوستی مال را سخت بخیل است (۶۴ر).
- تا نموده شوند جزای اعمال ایشان را (۵۰ر).

۱۱. کاربرد «مر... را» به شیوه متون کهن فارسی:

- جوی هاست از می ای با مزه مر درکشندگان را (۳۰پ).
- آدمی مر نیکوی های پروردگار خود را - عَزَّ و جَلَّ - هرآینه بِالطَّعِ ناسپاسِ حق ناشناس است (۶۴پ).

- او بس دوست دارنده است مر دنیا را (۶۶پ).

- در این که بیان کردیم وَعَظ و تَذْکِیر است مر آن را که مر او را دلی پندپذیرست (۶۷پ).

۱۲. تکرار ضمیر یا فعل:

- اُبَس نداند این آدمی که هرآینه پروردگار ایشان - عَزَّ و جَلَّ - به ایشان و به همه حال های ایشان و افعال ایشان در آن روز هرآینه آگاه و داناست؟ جزای هر یک می داند و جزا دادن بر مقادیر اعمال ایشان می تواند. (۸۶پ)

- کاشکی وی سگی بودی یا خوک بودی یا خاک بودی (۲۵پ)

۱۳. حذف فعل با قرینه و بی قرینه:

- رضای خود را در طاعت پوشیده کرده و سَخَطِ خود را در مَعْاصِی و اولیای خود را در خَلْق و صَلَاةٍ وُسطی را در صَلَوَات و اِجَابَت را در دَعَوَات و اسم اعظم را در اَسْمَا و سَاعَتِ مَرْجُوَّة را در روز آدینه و قبول خود در توبه (۱۴ر).

- مُنْذِر بن عمرو انصاری را که یکی از نَقَبَاسَت - رَضِیَ اللّٰهُ عَنْهُ - بر ایشان امیر گردانیده و فرموده بود (۶۲ر).

- در طاعت سست و در معصیت چُست (۶۴پ-۶۴ر).

- ظاهر شد که ایشان از این صفات ناسزا تَبَرَّأ نموده اند و از این اخلاق بد پاک گشته (۶۶پ).

- از کار دین و سعادت حقیقی غافل است و به حرص و بخل و جهل مایل (۶۶پ).

۱۴. لغات کهن، کاربرد قدیمی و گویشی برخی واژه ها:

- اندخسیدن^۱ (۶پ)، نبشته (۸پ)، جُهود (۱۹ر)، اندر (۳۴پ)، هرآینه (۶۲پ)، اشتران (۶۲ر)، اُ (۸۶پ، به معنی آیا)، مَغ (۹۳ر)، خداوند (۶۲پ، به معنی صاحب، در ترکیبات

۱. این فعل به صورت هایی چون «اندخسیدن/ اندخساندن/ اندخشایدن» و در معنای «پناه بردن/ پناه جُستن» در برخی متون کهن، خصوصاً تفاسیر فارسی قرآن، به کار رفته است: «(قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ) [فَلَق/۱]: بگو یا محمد که می اندخسم به خداوند سفیده دم» (نسفی، ۱۳۷۶: ۱۱۹۸/۲). «نَعُوذُ بِاللّٰهِ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ». فرمود: به خدای می اندخسم از علم ناسودمند» (قلانسی، ۱۳۸۵: ۱۲۷). (همچنین نک. رواقی و میرشمسی، ۱۳۸۱: ۳۲؛ یاحقی، ۱۳۷۲: ۱۹۵/۱).

اضافی مانند: خداوندانِ اسبان)، سیم به جای سوم (۱۱)، بیست هفتم به جای بیست و هفتم (۱۴)، هژده به جای هجده (۱۶).

۱۵. شماری از ترکیبات جالب:

- نشست جا (۲۹)، جاودان باشندگان (۲۹)، جای خواب (۴۳)، سنگ‌ناک (۶۲)، آتش طبع (۶۲)، اندک خیر (۶۷)، بسیار شرّ (۶۷).

ب) ویژگی‌های ادبی (آرایه‌های لفظی و معنوی):

۱. سجع، موازنه و قرینه‌سازی:

- قرآن کریم و فرقان عظیم (۱).
- دلیل ظاهر و معجز باهر (۱۷).
- نعمت عظمی و لذت کبراست (۲۹).
- در بستان جنان، نه در پستان حیوان (۳۰).
- این آلد نعم و آجزل قسّم است (۳۰).
- در طاعت سست و در معصیت چُست (۶۴-۶۴).

۲. تشبیه:

- مشکات کلمات قدسیّه (۱).
- تخم و سوسه نفس (۲).
- یاد گناهان بر دل ایشان نگذرد تا مشرب نعمت ایشان به کدورت مشوب نشود (۳۰).
- هر روز گور با آدمی سخن می‌گوید: ... خانه‌ای تاریکم، از ذکر مشعله‌ای با خود بیار (۴۳).

۳. استشهاد به اشعار فارسی و عربی:

مؤلف در این اثر، برخلاف کتاب‌های دیگرش چون قدسیّه، از اشعار فارسی و عربی بسیار کم استفاده کرده است. از نمونه‌های مصاربع و ابیات فارسی کتاب:

- مرا نداند از این گونه کس که من دانم (۶۵).

- بهر یک خامش این همه فریاد / بهر یک خاک‌توده این همه باد (۱۹۷).

همچنین، به برخی مصراع‌ها و ابیات عربی برمی‌خوریم که مؤلف آن‌ها را از همان منابع

تفسیری، و نه مستقیماً از دواوین شاعران، گرفته است. نمونه‌ای از مصاربع و ابیات عربی:

- أَلَا كُلُّ شَيْءٍ مَا خَلَا اللَّهَ بَاطِلٌ (۴۱).

- لَا أَرَى الْمَوْتَ يَسْبِقُ الْمَوْتَ شَيْءٌ / نَعَصَّ الْمَوْتُ ذَا الْغِنَى وَالْفَقِيرَا (۴۴).

۵. معرفی دست‌نویس‌ها

از تفسیر ثمانیه تاکنون چهار نسخه، که همه در ترکیه نگهداری می‌شوند، شناسایی کرده و در تصحیح خویش از آن‌ها بهره گرفته‌ایم:

۵-۱. نسخه «جا»

این نسخه که کمابیش نسخه اساس ما بوده است، به خط عبدالرحمان جامی و به تاریخ ربیع الأول سال ۸۴۸ ق. نگاشته شده است و به شماره ۷۲ در کتابخانه مرادملای ترکیه، نگهداری می‌شود. میکروفیلمی از این نسخه به شماره ۱۴۹ در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است (درایتی، ۱۳۹۱: ۵۳۸/۸). این دست‌نویس کاملاً مضبوط و بدون افتادگی است. در برخی موارد، کاتب خطاهای خود را در لابه‌لای خطوط یا در هامش متذکر شده و اصلاح کرده است.

این دست‌نویس، به خط نستعلیق کتابتی، شامل ۳۸۹ صفحه، هر صفحه ۲۱ سطر، بدون تریج، تذهیب، تزیین، شمسه و جدول است؛ و انجامة دست‌نویس چنین است:

وَقَعَ الْفِرَاعُ مِنْ كِتَابَةِ هَذَا التَّفْسِيرِ الَّذِي أَفَادَهُ قُدْوَةُ زَمَانِهِ، خَوَاجَه مُحَمَّد پارسا البُخَارِي
- قَدَّسَ اللَّهُ سِرَّهُ - عَلَى يَدِ الْعَبْدِ الْاَفْقَرِ الْاَحْقَرِ، عَبْدِ الرَّحْمَانِ بْنِ أَحْمَدِ الْحَامِي، بِمَحْرُوسَةٍ
هَرَاةَ، يَوْمَ الْاَحَدِ، الرَّابِعِ مِنْ رَبِيعِ الْاَوَّلِ سَنَةِ ثَمَانٍ وَ اَرْبَعِينَ وَ ثَمَانِ مِائَةٍ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِجَمِيعِ
المُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ صَلِّ عَلَي النَّبِيِّ وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ، آمِينَ.

از ویژگی‌های این نسخه، می‌توان این موارد را برشمرد:

در این نسخه و دیگر نسخ، «حَدَّثَنَا»، رمزی و به صورت «ح» نوشته شده است؛ در همه‌جا برخلاف دیگر نسخ، به جای «الأستاذ»، «الأستاذ» نوشته شده است؛ معدودی از واژه‌ها مشکول و مُعَرَّبند؛ بسم‌الله... و آیات با خطی درشت‌تر نوشته شده‌اند؛ یاهای نکره در واژه‌هایی که مختوم به «های بیان حرکت» است، «قطره‌ای»، به شیوه بسیاری از نسخ قدیم، «قطره» ضبط شده‌اند؛ کلماتی چون فائت، حقائق و امثال این‌ها، به صورت فایت، حقایق و... نگاشته شده است. در اغلب موارد پ و چ با یک نقطه، و گ بدون سرکش است؛ «است» اغلب به کلمات پیش از خود چسبیده است؛ «آن‌که»، «چنان‌که» و... به شکل

۱. کتاب معجم الرموز و الإشارات، از محمدرضا ماقانی، بهترین منبع برای دانستن رموزی است که در نسخه‌ها به کار می‌رفته است (نک. ماقانی، ۱۴۱۱: ۹۲-۱۹۲).

آنک، چنانک و... نوشته شده است؛ «می» وجه استمراری و اخباری به واژه‌ها متصل گشته است؛ در عبارات فارسی، واژه‌های چون صلوات، مشکاة به صورت صلوة، مشکوة کتابت شده است.

۵-۲. نسخه «عد»

نسخه مورخ ۱۰۵۹ق که به شماره ۸۴ در کتابخانه اسعد افندی ترکیه نگهداری می‌شود. کاتب این نسخه، کتاب را از روی نسخه‌ای استنساخ کرده که کسی (شاید یکی از مریدان خواجه پارسا) در سال ۸۲۰ق از روی مسوّدۀ خواجه پارسا به بیاض آورده و سپس عباراتی چون «القطب الأقطاب» و جملاتی دعایی به پایان نسخه مؤلف افزوده است. نسخه مذکور نیز نسبتاً خواناست و افتادگی‌های آن اندک‌شمار است و در آن برخی جملات نیز محو شده است. این دست‌نویس، به خط نستعلیق کتابتی عثمانی، در ۲۶۰ برگ و ۵۱۷ صفحه است و هر صفحه ۱۵ سطر دارد. این دست‌نویس بدون ترنج، تذهیب، تزیین، شمسه و جدول و انجامه آن چنین است:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ و ارحم لِكاتبِهِ و لِوالِدَيْهِ و لِباَعِيثِهِ و لِمَنْ قَرَأَ و لِمَنْ نَظَرَ، آمين. و اَنَا الْمُذْنِبُ
الْخاطِئِ الرَّاجِي اِلى رَحْمَةِ رَبِّي، اَحْمَدُ بَنُ حَاجِي بَكْرِ اَلرَّمَوِيِّ. قَدْ فَرَعَ يَدَهُ عَن كِتَابَةِ هَذِهِ
السُّنَّةِ الشَّرِيفَةِ يَوْمَ السَّنْبَةِ اَرْبِعَ و عَشْرِينَ ذِي القَعْدَةِ سَنَةِ تِسْعِ و خَمْسِينَ و اَلْفِ، تَمَّ فِى
بَلَدَةِ وَاوَنَ.

همچنین انجامه اصل نسخه‌ای که در زمان حیات خواجه پارسا نوشته شده، این‌گونه است:
قَدْ وَقَعَ الفَرَاغُ مِنْ تَسْوِيلِ هَذِهِ التَّفْسِيرِ الْمُؤَلَّفِ القُطْبِ الأَقْطَابِ، خواجه محمد، نبیره
پارسای بخاری - اَدَامَ اللهُ تَبَارَكَ و تَعَالَى بَرَكَاتِ حَيَاتِهِ قَدَرَ مَا يُمَكِّنُ حَيَاةَ الأَدَمِيِّ بَيْنَ هَذِهِ
الأُمَّةِ، بِالنَّبِيِّ و آلِهِ، آمين رَبِّ العَالَمِينَ -، وَ قَتَّ الصَّحْوَةَ الكُبْرَى فِى دَارِ الفُقَرَاءِ، يَوْمَ
الأَرْبَعَاءِ فِى بَلَدَةِ بُخَارَا مِنْ شَهْرِ المُبَارَكِ المُحَرَّمِ، سَنَةِ عَشْرِينَ و ثَمَانِ مِائَةٍ.

از ویژگی‌های رسم‌الخطی و... این نسخه، می‌توان این موارد را برشمرد:
برخی جملات دعایی چون «صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ و سَلَّمَ» و «عَلَيْهِ السَّلَامُ/ عَلَيْهِ الصَّلَاةُ و
السَّلَامُ» رمزی و به صورت «صَلِّمْ» و «عَم» آمده است؛ نام سوره‌ها با شنگرف نگاشته
شده است؛ واژه‌ها، به جز آیات، کمتر اعراب‌گذاری شده‌اند؛ «است» به هر دو گونه گسسته
و پیوسته به کلمه پیشین دیده می‌شود، مانند «رفته است»، «عیب نادیدنست.»؛ پ سه نقطه

است، اما گ بدون سرکش، و چ گاه با سه نقطه و بعضاً با یک نقطه آمده است (مانند «اکر»، «کناه کاران»، «جون»، «جهارم»، «آنچه»؛ «می» وجه استمراری و اخباری به دو صورت متصل و منفصل نوشته شده است (مثلاً «می باید»؛ پسوند صفت تفضیلی «تر»، به دو صورت پیوسته و گسسته نگاشته شده است؛ گاهی نقش نمای «را» به واژه پیش از خود چسبیده است (مانند «ویرا»).

۵-۳. نسخه «فد»

این نسخه که اقدم نسخ شناخته شده تفسیر ثمانیه است، مورخ ۸۲۳ق است و به شماره ۷۳ در کتابخانه نافذ پاشای ترکیه موجود است. دست نویس کاملاً خوانا و مضبوط است؛ اما متأسفانه تنها شامل تفسیر سوره قدر تا بیته است. به علت همین نقص، ما نسخه جامی را نسخه اساس خود قرار دادیم. این دست نویس، به خط نسخ کتابتی مایل به ثلث، در ۵۱ برگ و ۱۰۲ صفحه است و هر صفحه ۲۲ سطر دارد، بدون ترنج، تذهیب، تزیین، شمسه و جدول، و انجامه آن چنین است:

تَمَّتِ الْمُقَابَلَةُ وَالْمُعَارَضَةُ بِقَدْرِ الْوُسْعِ، - أَعْلَى اللَّهِ دَرَجَ مُؤَلِّفِهِ فِي عِلِّيِّينَ وَحَشْرَةَ مَعَ
النَّبِيِّينَ وَالصَّادِقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا -، فِي ۴ ذِي الْحِجَّةِ
ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ وَثَمَانِ مِائَةٍ رَبِّ اخْتِم بِالْخَيْرِ وَالْحُسْنَى.

از ویژگی های این نسخه، می توان به این موارد اشاره کرد:

شمار فراوانی از واژه های عربی مشکول و مُعَرَّب است؛ تای برخی کلمات چون «صورت» و «هیئت» در جملات فارسی مربوطه (ة) است؛ «بِسْمِ اللّٰهِ...» و آیات با خطی درشت تر نوشته شده است؛ یاهای نکره در واژه های مختوم به «های بیان حرکت» است (مانند «قطره ای»، «مرتبه ای»)، به شیوه بسیاری از نسخ قدیم، به صورت «قطره» و «مرتبه» ضبط شده است؛ «به» ها بدون «های بیان حرکت» آمده است (مثل «بطریق»)؛ واژه هایی چون مؤمن و سؤال در جملات فارسی، گاه به شکل مؤمن و سؤال نوشته شده است؛ صورت هایی چون «در این» و... به گونه «درین» و... نوشته شده است؛ کلماتی چون فائت، ائمه و...، به صورت فایت، ایمه و... نگاشته شده است؛ گاف ها بدون سرکش است،

چ با یک نقطه، اما پ گاه سه نقطه و گاه یک نقطه است، مانند «بزرگوارتر»، «جنانک»، «اکرجه»، «پنهان». شماری از واژه‌ها بی نقطه‌اند؛ قواعد دال و ذال قدیم گاهی رعایت شده است و گاهی نه؛ «است» اغلب به کلمات پیش از خود چسبیده است، مانند «دلست»، «در اثر است». آنچه، چنان‌که و... به شکل آنچه، چنانک و... نوشته شده است؛ «می» وجه استمراری و اخباری گاه متصل و گاه منفصل است، همچون «میکوید»، «می شد». در عبارات فارسی، واژه‌های چون صلوات، مشکات و... به شکل صلوة، مشکاة و... کتابت شده است؛ همزه پایانی کلمات ممدود هنگام اضافه شدن بی تغییر آمده است، مانند «اداء فرائض»، «علماء دین».

۴-۵. نسخه «شا»

این نسخه تاریخ ندارد، ولی بنابر قرآینی چون خط و کاغذ، کتابت آن نباید به پیش از سده دهم برگردد. نسخه «شا» به شماره ۱۱۳ در کتابخانه شهیدعلی پاشای ترکیه نگهداری می شود. اعتبار آن، در مقایسه با دیگر دست‌نویس‌ها کمتر است و اغلاطی در آن دیده می‌شود که نشان از بی‌دقتی یا کم‌مایگی کاتب دارد. این دست‌نویس، به خط نسخ کتابتی، شامل ۲۹۴ برگ و هر صفحه ۱۹ سطر و دارای رکابه، و بدون ترنج، تذهیب، تزئین، شمسه و جدول است. انجامه دست‌نویس چنین است:

تَمَّتِ الْكِتَابُ بِعَوْنِ الْمَلِكِ الْوَهَّابِ عَنْ يَدِ عَبْدِ الضَّعِيفِ النَّحِيفِ، شَعْبَانَ بْنِ مُظَفَّرٍ ...

از ویژگی‌های این نسخه، می‌توان موارد ذیل را برشمرد:

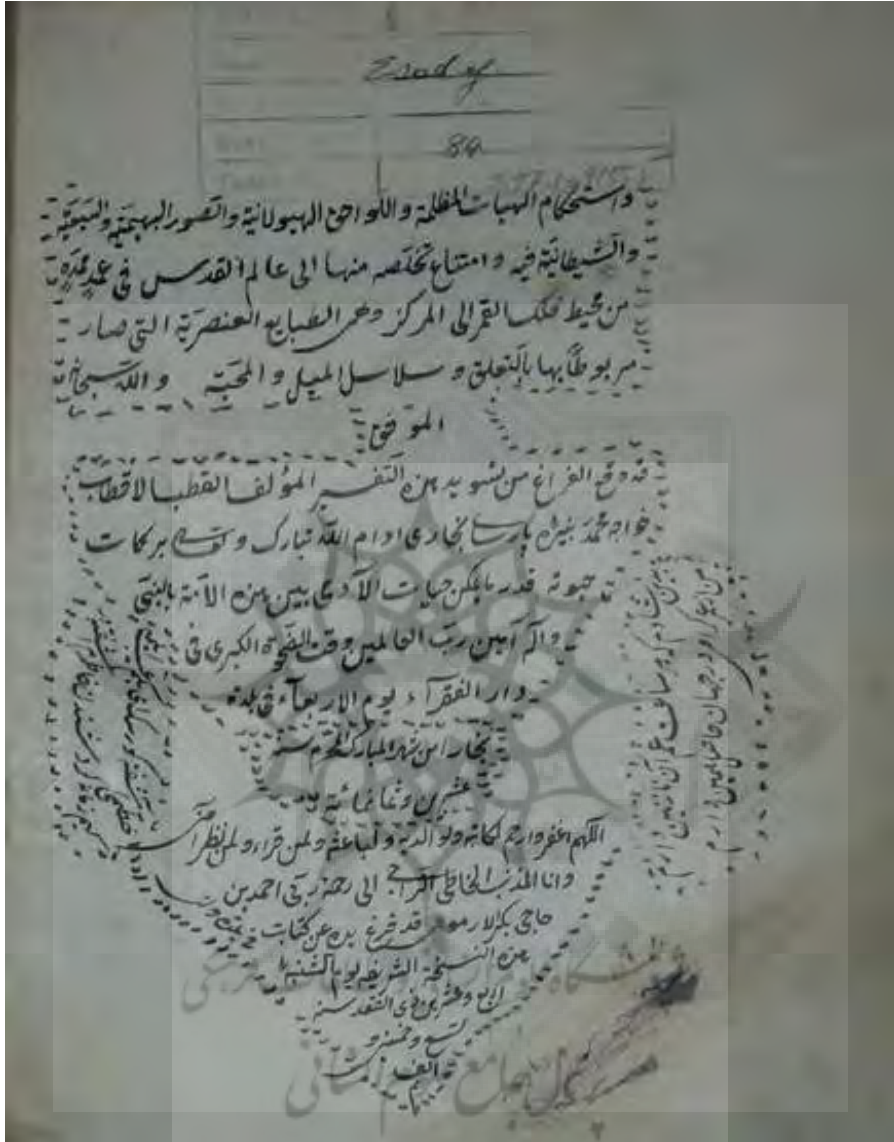
برخی از کلمات آشنا چون «در»، «مذهب» و «حرف» مشکول شده‌اند. این ویژگی در دیگر نسخ تفسیر ثمانیه، بسیار کمتر دیده می‌شود. کلمه «رضاء» هنگام اضافه شدن به کلمه‌ای چون «القلب»، بدون همزه پایانی (رضا) نوشته شده است؛ «است» اغلب به کلمات پیش از خود چسبیده است، مانند «خبرست»، «برابرست»؛ عدد «سوم»، که در دیگر دست‌نویس‌ها به شکل «سیم» ثبت شده، «سیوم» نوشته شده است؛ «یاء نکره» در واژه‌های مختوم به «های بیان حرکت»، چون «سوره»، به شیوه بسیاری از نسخ قدیم، «سوره» ضبط شده است؛ حرف اضافه «ب+ه» بدون «های بیان حرکت» آمده است، مانند

«بهفت»، «بنظر»؛ برخی کلمات در حاشیه نسخه با لفظ «اصح» تصحیح شده است؛ وجود برخی ویژگی‌های گویشی چون «شویت» و «مپنداریت» به جای «شوید» و «مپندارید»؛ گاف‌ها بدون سرکش است، چ و پ هم در اغلب مواضع سه نقطه دارد، مانند «می‌گذرد»، «پس»، «آنچه».

۷. نتیجه‌گیری

برخی پژوهشگران معاصر که در بحث از آثار خواجه پارسا به تفسیر قرآن او اشاره کرده‌اند، چون تفسیرهای خواجه و از آن جمله تفسیر ثمانیه را ندیده‌اند، نه فقط نتوانسته‌اند آن را به درستی و به دقت معرفی کنند بلکه گاه به نتایج نادرستی رسیده‌اند. در تحقیق حاضر، با بررسی دقیق تفسیر ثمانیه، برخی لغزش‌های محققان آشکار و تصحیح گردید. گویا تاکنون چنین تصوّر می‌شده که دست‌نویس مشهور ثمانیه به خط جامی در کتابخانه محمدملا، یگانه نسخه این اثر است، اما با بررسی و جست‌وجوی بیشتر ما در فهرس دست‌نویس‌های کتابخانه‌های ترکیه، مشخص شد که چند نسخه معتبر دیگر و بعضاً اقدم بر نسخه جامی نیز یافت می‌شود که در تصحیح تفسیر ثمانیه باید از آن‌ها بهره گرفت و فقط به نسخه جامی بسنده نکرد، زیرا گاه ضبط دیگر نسخ بر نسخه جامی رجحان دارد. همچنین، برخی از لغات و ترکیبات فارسی و عربی که در این متن آمده است (خاک‌ناک و...) در لغت‌نامه دهخدا و دیگر لغت‌نامه‌های فارسی دیده نمی‌شود؛ به همین سبب، این تفسیر به دلیل احتوا بر برخی واژه‌های کم‌کاربرد، منبع ناشناخته و خوبی است که در تدوین فرهنگ جامع زبان فارسی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی فعلاً دو جلد از آن را منتشر کرده است، به آن توجه شود.

۱. نمونه‌های مشابه این تبدیل را در بودیت (بودید)، شدیت (شدید) و... نیز می‌توان دید. شفیع کدکنی معتقد است که این ابدال از ویژگی‌های کتابت و تلفظ شرق ایران و به ویژه ماوراءالنهر بوده است و در اغلب متون تألیف شده و یا کتابت شده در ماوراءالنهر، این تبدیل را می‌توان دید (نک. شفیع کدکنی، ۱۳۹۸: ۲/۱۳۹۹؛ همو، ۱۳۸۸: ۱/ دوست‌وسه - دوست‌وچهار).

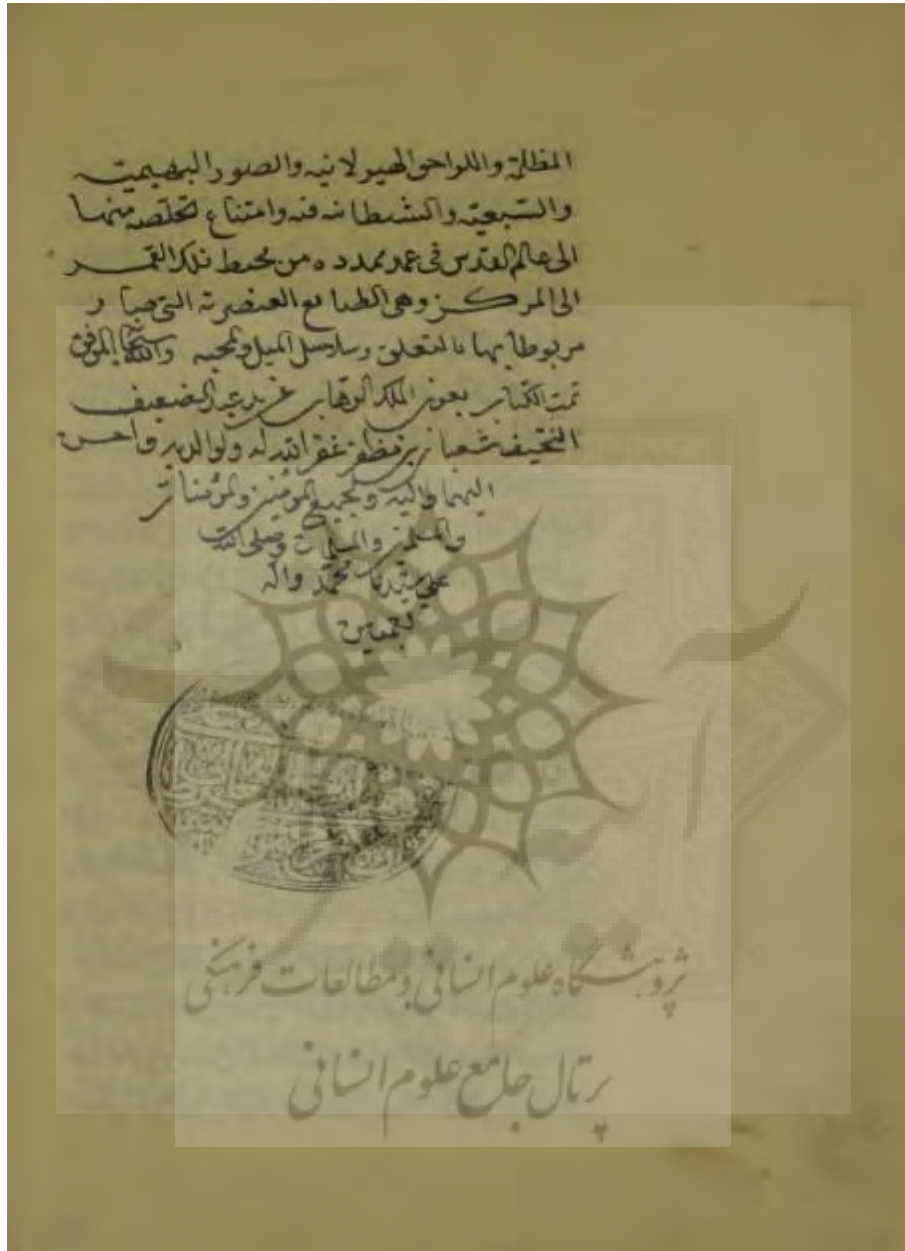


صفحة پایانی نسخه «عد»





صفحة آغازين نسخه «فد»



صفحة پایانی نسخه «شما»

منابع

- آفاحسینی، حسین و احمدرضا یلمه‌ها (۱۳۹۲). «انیس الطالبین و عُدَّة السَّالکین از کیست؟». مطالعات عرفانی، دانشکده علوم انسانی دانشگاه کاشان، ش ۱۷: ۵-۱۷.
- اسلامی، سیدحسن (۱۳۹۰). «ملاصدرا و معضل انتحال: بازسنجی دفاعیه‌ها». آینه پژوهش، س ۲۷، ش ۵: ۲۲-۳۶.
- انصاری، حسن (۱۳۹۲). نسخه تفسیر قرآن تألیف خواجه‌محمد پارسا به خط عبدالرحمان جامی. در: <http://ansari.kateban.com/post/1992> (تاریخ دسترسی: ۱۳۹۴/۶/۶).
- بهار، محمدتقی (۱۳۸۴). سبک‌شناسی (تاریخ تطوّر نثر فارسی). چاپ هشتم، تهران: امیرکبیر.
- جامی، عبدالرحمان (۱۳۹۰). نَفَحَات الأُنس. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمود عابدی. چاپ ششم (دوم سخن)، تهران: سخن.
- حافظی بخاری، محمد بن محمد (۱۳۸۱). فصل الخطاب. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات جلیل مسگرنژاد. چاپ اول، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- _____ (۱۳۵۴). قُدسیه (کلمات بهاء‌الدین نقشبند). با مقدمه، تصحیح و تعلیقات احمد طاهری عراقی. چاپ اول، تهران: طهوری.
- درایتی، مصطفی (۱۳۹۱). فهرستگان نسخه‌های خطی ایران (فنخا)، ج ۸. چاپ اول، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران.
- رواقی، علی و مریم میرشمسی (۱۳۸۱). ذیل فرهنگ‌های فارسی. تهران: هرمس.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۹۲). «ثعلبی/مبیدی». در: اوراق عتیق. به کوشش سید محمدحسین حکیم. دفتر سوم، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- _____ (۱۳۹۴). در هرگز و همیشه انسان (از میراث عرفانی خواجه عبدالله انصاری). تهران: سخن.
- _____ . تعلیقات ← عطار نیشابوری.
- _____ . مقدمه ← میهنی.
- عطار نیشابوری، محمد (۱۳۹۸). تذکرة الأولیاء. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ اول، تهران: سخن.
- صدوقی سها، منوچهر و مهدی مؤمنی (۱۳۹۸). «تصحیح رساله محبوبیه خواجه‌محمد پارسا». حکمت‌نامه مفاخر، س ۴، ش ۲: ۱-۲۰.
- صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۸). تاریخ ادبیات در ایران، ج ۸. چاپ هشتم، تهران: انتشارات فردوس.

- قلانسی نسفی، عبدالله بن محمد بن ابی بکر (۱۳۸۵). ارشاد در معرفت و وعظ و اخلاق. با مقدمه و تصحیح و تعلیقات عارف نوشاهی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب.
- کاشفی، حسین بن علی (۱۳۵۶). رَشَحَات عین الحیاة فی مناقب مشایخ الطریقة التَّقشَبندیة. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات علی اصغر معینیان، ۲ ج. چاپ اول، تهران: بنیاد نیکوکاری نوریانی.
- مامقانی، محمدرضا (۱۴۱۱). معجم الرُّموز و الإشارات. قم: مهر.
- معرفت، محمد هادی (۱۳۷۹). تفسیر و مفسران. ترجمه علی خیاط و علی نصیری. چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- میهنی، محمد بن منور (۱۳۸۸). أسرار التَّوْحید فی مقامات الشَّیخ أبی سعید. با مقدمه، تصحیح و تعلیقات محمدرضا شفیعی کدکنی. چاپ نهم، تهران: آگاه.
- نسفی، عمر بن محمد (۱۳۷۶). تفسیر نسفی. به تصحیح عزیزالله جوینی. ۲ ج. تهران: سروش.
- نوشاهی، عارف (۲۰۱۱). «رسالة مزارات». تألیف خواجه محمد پارسا. مجلّة تصوّف، [استانبول].
- یاحقی، محمّدجعفر (۱۳۷۲). فرهنگنامه قرآنی (فرهنگ برابره‌های فارسی قرآن بر اساس ۱۴۲ نسخه خطی کهن محفوظ در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی. ۵ ج. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی).

منابع خطی

- حافظی بخاری، محمّد بن محمد (۸۲۳ق). تفسیر ثمانیه. نسخه خطی شماره ۷۳. ترکیه: کتابخانه نافذ پاشا.
- _____ . تفسیر ثمانیه. نسخه خطی شماره ۷۲ (کتابت: ۸۴۸ق). ترکیه: کتابخانه محمدمراد.
- _____ . تفسیر ثمانیه. نسخه خطی شماره ۸۴ (کتابت: ۱۰۵۹ق). ترکیه: کتابخانه اسعد افندی.
- _____ . تفسیر ثمانیه. نسخه خطی شماره ۱۱۳ (بی تا). ترکیه: کتابخانه سلیمانیه.